

مرجع

عرفان و تصوف

کاردنامه منابع پیرامون عرفان اسلامی و تصوف

(جلد اول)



معاونت پژوهشی و آموزشی سازات تبلیغات اسلامی



موسسه اطلاع رسانی اسلامی مرجع

www.ketab.ir



www.ketab.ir

پدیدآوران



زیر نظر

امیرحسین شرافت

مشاوران پژوهشی

دکتر نصرالله پورجوادی، دکتر احمد رضا اسدی، سیدرضا باقریان موحد

و دکتر محمد سوری

ویرایش

رضا الموسوی، مریم حسینی و مهدی غفوری

گروه مأخذشناسی

محمدتقی زهرایی فرد، زهره سمیع و فرید محمودیان

گروه چکیده‌نویسی

رضا بهشتی، جواد کمالی، منصور احمدی، علی خاتمی

و اعظم سجادی

مدیر اجرایی

اسدالله باقری

گروه اجرایی

سیدجواد سیدصبور و مصطفی محب‌خواه

گروه فنی

سیدحسین موسوی پانزاد و مهدی جلواریان

واژه‌نگاران

سیدعبدالرسول موسوی و یوسف درویش

فہرست مطالب



جلد اول

[illegible]

.....

.....

.....

.....

.....

.....

فهرستواره ها

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

نمودارها

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

.....

www.ketab.ir

پیش‌گفتار

بدایت هر تحقیق علمی باید نهایت تحقیقات دیگران باشد، و لذا نخستین گامی که هر پژوهشگری در زمینه کار خود بر می‌دارد اطلاع یافتن از پژوهش‌هایی است که دیگران انجام داده‌اند. معمولاً هر پژوهشگری خود این اطلاعات را در زمینه تحقیقات خویش جمع‌آوری می‌کند. محققى که مثلاً در زمینه قرآن پژوهی یا کلام و فلسفه یا عرفان اسلامى تحقیق می‌کند باید همواره در جریان تحقیقاتی که در رشته او می‌شود قرار داشته باشد و اطلاعات او به اصطلاح، روزآمد باشد. در یکی دو قرن اخیر، بهترین وسیله‌ای که به محققان کمک می‌کرده است تا بتوانند اطلاعات خود را روزآمد نگاه دارند، مجلات علمی یا ژورنال‌هایی بوده است که در هر رشته منتشر می‌شده است، مجلاتی که گاهی به حدی پیشرفت می‌کرده که جنبه بین‌المللی پیدا می‌کرده است. اما فعالیت‌های تحقیقی محققان در رشته‌های علوم انسانی و اجتماعی و علوم دینی، معمولاً فقط در مجلات خاص هر رشته منعکس نمی‌شود. مجلات عمومی یا کتاب‌هایی که هر یک شامل مجموعه‌ای از مقالات تحقیقی بوده است و همچنین سایت‌هایی که در فضای مجازی و اینترنت دایر می‌شود روزآمد شدن اطلاعات محققان را تا حدودی دشوار کرده است. امروزه شاید هیچ محققى نباشد که بدون مراجعه به مراجع اطلاعاتی و جستجو در منابع خبری اینترنتی بتواند ادعا کند که از همه فعالیت‌هایی که در زمینه تحقیقی او می‌شود باخبر است. روزآمد ماندن برای هر پژوهشگری، مستلزم مراجعه به منابع و مراجع اطلاعاتی است، و یکی از بهترین مراجع که در دو قرن اخیر پدید آمده و در دو دهه اخیر به کمک رایانه، جهش‌های چشمگیری نیز در راه تکمیل آن‌ها صورت گرفته، فهرست‌هایی است که از کتاب‌ها و مقالات و گزارش‌های هر رشته تهیه می‌شود. به جرات می‌توان گفت که کمتر محققى بتواند ادعا کند که از آخرین تحقیقاتی که در رشته او شده است، با خبر است، مگر این که قبلاً به این نوع فهرست‌های مرجع، رجوع کرده باشد. بدیهی است که رشته‌ها یا زمینه‌هایی که هنوز فاقد این قبیل فهرست‌ها باشند، از لحاظ وسایل تحقیق ضعیف‌اند. محققى که نداند کلام در زمینه کار او دیگران چه کرده‌اند، مسلماً از جریان تحقیق در رشته خود عقب می‌ماند و گاه دچار اشتباه یا دوباره‌کاری‌های وقت‌گیر می‌شود. یکی از کوشش‌هایی که برای اطلاع‌رسانی در زمینه تحقیقات انجام‌شده در رشته‌های گوناگون صورت گرفته است، فهرست‌هایی است که مؤسسه اطلاع‌رسانی اسلامی پارسا در رشته‌های مختلف علوم و معارف اسلامی، از قبیل سلسله آثار مرجع سالیانه ایران، کتابشناسی جهانی قرآن کریم، منبع‌شناسی تعلیم و تربیت، غرب‌شناسی، سلسله آثار الدلیل به زبان عربی، کتابشناسی هنر اسلامی و ... فراهم آورده است. تا کنون بیش از پنجاه مجله از این فهرست‌های مرجع منتشر شده که هر یک مشتمل بر مقالات و کتاب‌هایی بوده است که به زبان‌های پارسی و عربی و لاتین در آن رشته به‌خصوص، نوشته و چاپ شده است. آخرین کتاب از این سلسله مراجع، اثر حاضر است که در خصوص یکی از پر مشغله‌ترین زمینه‌های علمی و تحقیقی در عالم اسلام، یعنی عرفان و تصوف، نوشته شده است. همان‌طور که از عنوان فرعی این اثر پیداست، کارنامه چند دهه از تحقیقاتی که به زبان‌های پارسی و عربی در

این زمینه انجام گرفته است، در این اثر مشاهده می‌شود. کلیات عرفان، عرفان نظری (به‌خصوص مکتب عرفانی محیی‌الدین ابن عربی و پیروان او)، بحث‌های نظری در باب عرفان عملی، ادبیات عرفانی، اعم از نظم و نثر، تفاسیر عرفانی از قرآن، زندگی‌نامه‌های عارفان و صوفیان، بحث‌های تاریخی در باره تصوف و آداب و فرقه‌های صوفیه و نقد آنها، معرفی منابع اصلی تصوف و عرفان، بخش‌هایی است که در داخل هر یک از آنها تحقیقات انجام شده، معرفی گردیده است. نگاهی به کتاب‌ها و مقالاتی که در هر یک از این بخش‌ها معرفی شده است، تا حدودی طول و عرض هر موضوع را نیز به ما نشان می‌دهد. یکی از فواید بسیار مهم این کتاب مرجع، چکیده‌ها یا معرفی‌های کوتاهی است که برای اکثر آثار تهیه شده و ذیل هر عنوان درج گردیده است. فایده دیگر آن، فهرست‌های متعددی است که برای خود این اثر، تهیه شده است، فهرست‌هایی که در واقع به منزله کلید برای ورود به ساحت محتویات کتاب است؛ چنان که وقتی محقق کتاب را باز می‌کند و به دنبال نویسنده یا اثری می‌گردد، ناگزیر است که به فهرست مؤلفان و مترجمان، یا کتاب‌ها و مقالات رجوع کند. این فهرست‌ها بدون شک کار مراجعه به این اثر را تسهیل می‌سازد. مرجع حاضر خودش تا حدود زیادی اثری ابتکاری است، به این معنی که راهی را که پژوهشگران و آماده‌سازان آن پیموده‌اند، قبلاً پیموده نشده بوده و لذا خالی از ناهمواری‌هایی نبوده است. مهم این است که این راه پیموده شده و این اثر مرجع در همین حد آماده گردیده است. گردآورندگان این اثر خود از برخی از نواقص کار مطلع‌اند و امیدوارند که آن‌ها را، و همچنین نواقص دیگری را که محققان به ایشان تذکر می‌دهند، در چاپ‌های بعدی بر طرف کنند. علاوه بر این، ماهیت این نوع مراجع، چنان است که در ویرایش‌های بعدی، اطلاعات جدید به آنها اضافه خواهد شد و به اصطلاح روزآمد خواهد گردید. من شخصاً مطمئنم که این اثر، کیفیت تحقیقات بعدی را در زمینه تصوف و عرفان، علمی‌تر و دقیق‌تر خواهد نمود و اهمیت آن به قدری است که در آینده محققانی که در هر یک از این زمینه‌ها تحقیق می‌کنند از مراجعه به آن بی‌نیاز نخواهند بود. در خاتمه به همه کسانی که مدت‌ها برای فراهم آوردن این مرجع گران‌قدر کوشیده‌اند، در رأس ایشان آقای امیرحسین شرافت، نمی‌توانم این کلمه را از صمیم دل به زبان نیاورم که: دست مریزا!

نصراجه پورجوادی

مقدمه

یکی از دانش‌هایی که حیات و شکوفایی خود را وامدار فرهنگ دینی و تمدن اسلامی است، عرفان است؛ به گونه‌ای که می‌توان عرفان را در حدوث و بقا، از پدیده‌های جامعه دینی دانست.

عرفان، دو ساحت یا دو کارکرد دارد: یک. شناخت حضرت حق؛ دو. سلوک گام به گام به سوی او. ساحت نخست، عرفان نظری را رقم زده و ساحت دوم، عرفان عملی را پدید آورده است. عرفانی نظری، عهده‌دار شناخت اسما و صفات الهی و تبیین نسبت جهان با ذات الوهی است. بدین رو عرفان نظری، پهلوی به فلسفه می‌زند و گاه با آن می‌آمیزد و گاه از او مدد می‌گیرد. با وجود این، راه عرفان نظری در غایت و روش، از فلسفه جدا است. فلسفه مادی که فلسفه است، با زبان کشف و شهود بیگانه است و جز در برابر برهان عقلی، سر فرود نمی‌آورد. عرفان نظری، اگرچه در قرن‌های نخست هجری، بیشتر در قالب عبارات و اشارات خودنمایی می‌کرد، اندک اندک مبادی و مبانی خود را یافت و دیری نگذشت که در شمار دانش‌های رسمی در جهان اسلام درآمد. عرفان نظری، به‌ویژه در قرن هفتم، به چنان اوج و کمالی رسید که همتای فلسفه و همپای فقه و تفسیر و کلام، دانشمندان بسیاری را به خود مشغول کرد و آثار و اثمار فراوانی به بار آورد. هستی‌شناسی شهودی و معرفت کشفی، رهاورد این دانش معنوی است.

ساحت دیگر عرفان، عرفان عملی یا «سیر و سلوک» است. اگر عرفان نظری، همانندی‌هایی با فلسفه دارد، میان عرفان نظری و اخلاق نیز همسانی‌هایی به چشم می‌خورد. آنچه این دو را از هم جدا می‌کند، به تعبیر استاد شهید مرتضی مطهری، پویایی عرفان و ایستایی اخلاق است. عرفان عملی، آیین‌نامه سلوک و نقشه راه است. سالک، در ساحت عرفان عملی، گام به گام و منزل به منزل راه را طی می‌کند تا بدانجا رسد که از او اثری باقی نماند و جام فنا سرکشید.

از مقامات تبذل تا فنا
پله پله تا ملاقات خدا

آنچه همواره بر سر آن نزاع بوده است و همچنان خواهد بود، خاستگاه عرفان و شیوه تعامل آن با دیگر دانش‌های دینی است. بیشتر عارفان و مؤلفان متون عرفانی، عرفان را یکی از فرزندان قرآن و سنت می‌دانند و وجود هر گونه آبخوری را جز وحی اتهام می‌شمارند. با وجود این، همواره این پرسش بوده است که آیا عرفان اسلامی یا عرفان مسلمین، چه مایه‌ای از سرمایه‌های خود را وامدار قرآن و حدیث است و چه مقدار از آموزه‌ها و رهیافت‌های نظری آن، برگرفته از عرفان‌های برون‌مرزی است. آیا انسان که فقه و حدیث و تفسیر، یک‌سره برآمده از متون و نصوص دینی است، عرفان نیز ریشه در همین خاک گهرخیز دارد؟ افزون بر این، پرسش‌های دیگری نیز ذهن و زبان بسیاری از اندیشه‌مندان و پژوهشگران را درگیر کرده است و گویا همچنان جای سخن و تأمل است. به هر روی، محتوای بسیاری از تحقیقات عرفانی، ناظر به پرسش‌هایی از این دست است:

- نسبت میان عرفان و تصوف، چیست؟ تساوی؟ تباین؟ عموم و خصوص؟
- چرا برخی از فقه‌های اسلام، عرفان را انحراف از شریعت می‌شمارند؟
- چه ویژگی‌هایی عرفان نظری را از فلسفه، و عرفان عملی را از اخلاق، و عرفان را از تصوف جدا می‌کند؟
- جایگاه پیر و مراد در عرفان چیست؟
- مبادی عرفان در کدام یک از دانش‌های نظری، اثبات می‌شود؟
- آیا عرفان، دانش بین‌الادیانی است یا هر دینی، عرفانی ویژه خود دارد؟
- موضوع و مسائل عرفان چیست؟
- شهود در عرفان، وسیله است یا هدف؟
- آیا آموزه‌هایی مانند مدارا و رواداری، برآمده از ذات عرفان است یا رهیافت برخی از عارفان است؟
- جریان‌های عرفانی در خارج از مرزهای اسلام، چه اندازه بر عرفان اسلامی اثرگذار بوده‌اند؟
- عرفان، تمدن‌ساز است یا تمدن‌سوز؟
- سهم عارفان و اهل معرفت در جریان‌ها و دگرگونی‌های اجتماعی چه اندازه است؟

...

افزون بر این پرسش‌ها، آنچه عرفان را در کانون توجهات و وجهه همت گروه بسیاری از محققان کرده است، آمیختگی آن با ادبیات فارسی است. بی‌تردید ادبیات کلاسیک فارسی، زبان عرفان است؛ آنچنان که ادبیات فارسی را کلیدی برای عرفان دانسته‌اند. بدین رو بخش مهمی از تحقیقات ادبی، صبغه عرفان‌پژوهی نیز می‌یابد و هر یک از رهگذر دیگری شناخته می‌شود. یکی دیگر از دلنگرانی‌های عرفان‌پژوهان در روزگار ما، ظهور عرفان‌های رقیب و رنگارنگ است که گاه از آنها به «عرفان‌های نوظهور» یا «عرفان‌های انحرافی و کاذب» یاد می‌شود. ظهور و گسترش سریع عرفان‌نماها، به قدری است که گاه موجب شگفتی می‌شود. این وضعیت، بی‌شک حکایت از آن دارد که زمینه اجتماعی برای گرایش‌های عرفانی، بسیار هموار است و گروه‌های بسیاری از طبقات اجتماعی، در پی چنین پناهگاه‌هایی برای تسکین آلام روحی خود یا یافتن هویت‌های جدید هستند. این عرفان‌های جعلی، آبرو و اعتبار عرفان اصیل را برای خود هزینه می‌کنند و جای آن را در متن جامعه می‌گیرند. به قول مولوی:

تا نباشد راست، کی باشد دروغ آن دروغ از راست می‌گیرد فروغ

بنابراین واکاوی زمینه‌ها و علل شیوع عرفان‌های کاذب در میان برخی طبقات اجتماعی، از دیگر موضوعاتی است که پژوهشگران را به سوی خود می‌خواند. در روزگاری که عرفان‌های وارداتی (کریشنا، رام الله، سای بابا، سرخ‌پوستی و ...) در هر کوی و برزن دام گسترده‌اند و در کشوری که در هیشک تاریخ، مهد معنویت‌گرایی و معرفت‌جویی بوده است، اقبال جوانان به انواع و اقسام عرفان‌های جعلی، دور از انتظار و موجب تأسف و تأثر است. اما گام نخست برای آفت‌زدایی از معنویت‌گرایی مردمی، شناخت موشکافانه و جامع همه گونه‌های عرفان و جریان‌های مدعی معرفت است. پژوهش‌های عرفان‌مدار، ضمن نقد و بررسی ماهیت جعلی مدعیان عرفان، پنجره‌ای به روی دوستداران معنویت می‌گشایند و آنان را از غلتیدن در دروغ‌ها و دعوی‌های بی‌بنیان رهایی می‌بخشند.

از این گونه ضرورت‌ها و فضیلت‌ها برای عرفان‌پژوهی، بسیر می‌توان نام برد و شمرد. نیز باید خدای را بارها سپاس گفت که این عرصه دشوار و ناهموار، از محققان سخت‌کوش و موی‌شکاف خالی نیست. پیوسته آثار دیده‌گشایی روانه بازار نشر می‌شود. شمار این تحقیقات و تألیفات به قدری است که کتاب‌شناسی و اطلاع‌رسانی درباره آنها ضرورت یافته بود؛ زیرا شناسایی و آرایه اطلاعات درباره منابع این حوزه معرفتی، زمینه‌های لازم را برای تتبع و تحقیق بیشتر در اختیار محققان می‌گذارد.

دیرزمانی است که مؤسسه پارسا معرفی، فهرست‌نویسی و تهیه شناخت‌نامه پژوهش‌های اخلاقی و عرفانی را وجهه همت خود کرده است. کتاب حاضر، محصول بخشی از این کوشش پی‌گیر و حاصل همت یاران همراه و پژوهشگران مؤسسه است. غایت و مقصود مؤسسه پارسا از پدیدآوری این اثر که به‌واقع کارنامه عرفان‌پژوهی است، جز اطلاع‌رسانی و آشناسازی محققان این عرصه با سرمایه‌های موجود و



جای خالی آثار مفقود نیست. تنها شاخص و معیاری که در گزینش آثار منظور بوده است، برخورداری آنها از صبغه علمی و محتوای درخور اعتنا است. بدین رو اطلاعات مربوط به ۱۱۰۰۰ عنوان از منابع عرفان اسلامی و تصوف در این مجموعه گرد آمده است. این اطلاعات در دو بخش ماخذشناسی (مشخصات کتاب‌شناختی) و چکیده‌نویسی سامان یافته است. مخاطبان این اثر، افزون بر متخصصان و اهل فن، همه پژوهشگران، در هر رشته یا سطحی است. اطلاعات این مجموعه، روی لوح فشرده نیز بارگذاری شده است تا دسترسی سریع و آسان به منابع و نیز قابلیت جستجو ممکن گردد. امید می‌پریم که در آینده‌ای نزدیک بتوانیم متن این آثار را نیز در لوح فشرده، تقدیم محققان گرامی کنیم.

غایت آمال و آرزوی مدیران و محققان مؤسسه پارسا، کمک به گسترش معنویت دینی و جلوگیری از انحرافات نظری و عملی در عرصه عرفان و اخلاق است. بر این باوریم که معرفی و نمایاندن چهره نورانی و معنویت‌زای مکتب اهل بیت، باطل السحر همه کژاندیشی‌ها است. در پایان، همت بلند و نیت ارجمند همه بنیان‌گزاران، استادان، پژوهشگران و همکاران مؤسسه پارسا را که به‌حتم بدون راهنمایی و کوشش‌های ارزنده آنان این طرح درازدامن به سرمنزل مقصود نمی‌رسید، ارج می‌گزاریم.

امیرحسین شرافت